

بسم الله الرحمن الرحيم



نظام آموزشی پاکستان ناقص و فاسد است، باعث بدبختی می شود و جلو پیشرفت را می گیرد

(ترجمه)

بدبختانه از بدو ایجاد پاکستان هرگز روی نظام معارف/آموزش این کشور کار نشده و به فساد گراییده است. این امر منجر شده است تا میلیون ها پسر و دختر از تعلیم و تربیه/آموزش و پرورش محروم شوند، حال آن که اسلام دستور به فراگیری علم داده است. نظام آموزشی به جا مانده از بریتانیای استعمارگر، علوم اسلامی را از علوم تجربی جدا کرده است تا دو نهاد جداگانه تحت نام مدارس عادی و مدارس دینی به وجود آیند. این چارچوب بدون در نظر داشت حکم اسلام در رابطه به این موضوع هنوز تطبیق می شود. بر خلاف تمدن غرب، چیزی به نام جدایی دین از زندگی در اسلام وجود ندارد. اسلام اساس تمام دیدگاه ها و اعمال زندگی مان را تشکیل می دهد، درحالی که نظام تحصیلی فعلی از یک سو یک تعداد رجال دنیایی را عرضه می کند که به اسلام منحیث یک ایدیولوژی جهانی نمی بینند، و از سوی دیگر اشخاصی را تربیه می کند که توانایی تطبیق اسلام را در زندگی عملی شان ندارند. این انشعاب منجر به انحطاط فکری، پذیرش مفاهیم غربی، رشد احساسات غربی، کاهش علما، مفکرین شایسته و سیاستمداران مخلص شده است؛ به همین دلیل مردم از «خلأ رهبری» شکایت دارند.

هدف و پالیسی نظام آموزشی فعلی این است تا اسلام را از حوزه عملی دور نگهدارد و آن را به یک مضمون علمی تبدیل کند، درحالی که اسلام به پیشرفت شخصیت های پویا، مخلص و آگاه دستور می دهد. اما خلافت افراد را به روش اسلامی تثقیف می کند تا بتوانند اسلام را در زندگی فردی و سیاسی شان تطبیق کنند. آن ها می دانند که هدف زندگی در این دنیا عبادت و کسب رضایت

الله سبحانه و تعالی است، نه دور کردن اسلام از زندگی سیاسی. این طرز دید باعث می‌شود تا فرزندان پسر و دختر امت اسلامی دین‌شان را به‌عنوان مجموعه‌یی ببینند که به مشکلات اقتصادی، سیاسی، داخلی و خارجی امت راه‌حل دارد؛ به همین خاطر است که تمدن اسلامی بیشتر از یک هزاره علم‌دار هدایت بشر بود. دولت اسلامی فرزندان با استعدادی را به ارمغان آورد که در زمینه‌های گوناگون اعم از ریاضیات، طب، فقه و نجوم پیش‌گام بودند. زبان عربی، زبان رسمی خلافت، به نشانهٔ مردان و زنان تحصیل‌کردهٔ جهان تبدیل شده‌بود، و شهرهای تحت حاکمیت دولت خلافت به مقاصد ارزش‌مند کسب تحصیل برای اروپائیان تبدیل شده‌بود.

برعلاوه، نظام فعلی روش‌های تدریس غلطی را نشر می‌دهد که روی یادگیری مجمل طوطی‌وار تمرکز دارد، نه روی رشد فکری که افکار شخص را به احساسات‌اش به‌منظور ایجاد وضاحت ارتباط می‌دهد؛ این دلیل انحراف از تفکر عقلی است که طی قرن‌ها معیار سنجش تمدن اسلامی به‌حساب می‌آمد. به‌علاوه، کمبود سهولت‌های مناسب در مکاتب، از جمله نبود استادان مسلکی و شایسته نیز قابل رویت است. اکثر مضامین در بیشتر مکاتب به زبانی تدریس می‌شود که نه زبان قرآن و نه هم زبان مادری شاگردان است. پاکستان در میان ۱۲۰ کشور جهان از لحاظ تعلیم، مقام ۱۱۳ را از آن خود کرده‌است. ناکامی‌های حکومت در پالیسی و بودجهٔ به افزایش سکتور خصوصی تحصیلات انجامیده است، حتی پوهنتون‌ها/دانشگاه‌های خصوصی نیز رایج شده‌است. بناءً بار اقتصادی والدین افزایش یافته است. با این وجود، اکثر والدین احساس می‌کنند که نیاز به استخدام استادان خصوصی دارند و این باعث چندین برابر شدن زمان، تلاش و فیس آموزش می‌شود. به‌خاطر این همه کاستی‌ها، اکثر شاگردان/دانش‌آموزان دوست دارند برای تحصیلات عالی خود به غرب سفر کنند. بناءً با فرار مغزها از پاکستان و دیگر سرزمین‌های اسلامی، جوانان ارزشمند و با استعدادی را از دست می‌دهیم که باید مصدر خدمت به امت مسلمه قرار گیرند. آنان دلیلی برای برگشت به پاکستان ندارند چون تحصیلاتی را کسب کرده‌اند که فراتر از صنعت و زراعت موجود در این کشور می‌باشد، و دولت در ایجاد ارتباط بین تحقیقات و نیازمندی‌های صنعتی و زراعتی ناکام بوده‌است.

نظام آموزشی پاکستان ابزاری بیش نیست که مسلمانان را از عقیدهٔ اسلامی و میراث اسلامی‌شان دور می‌کند و مانع احیاء اسلام و پیشرفت‌شان می‌شود.

پالیسی استعمار تطبیق طرح تحصیلی است که دربرگیرنده نصاب و هدفی می‌باشد که ارتباط مسلمانان با عقیدهٔ‌شان را با ترویج مفاهیم سکولریزم، لیبرالیزم، دموکراسی، نقش انسان به حیث شارع و دیگر مفاهیم مبدئی غرب تأمین می‌کند، مفاهیمی که اساسات‌اش توسط بریتانیا در جریان اشغال ریخته شده‌است و امروز توسط امریکا، اروپا و دیگر سازمان‌های استعماری از قبیل بانک جهانی نظارت می‌شود. بنابراین کتاب‌هایی که از طرف دولت، و هم‌چنان کتاب‌هایی که در مکاتب خصوصی تدریس می‌شود، توسط اساتید غربی تألیف و خاصاً برای پاکستان طرح شده‌است. پلان‌شان این است تا از اسلام تنها یک تصویر دینی محض را ارایه دهند. آن‌ها می‌خواهند مفاهیم فاسد روشن‌فکران، فیلسوفان و دانش‌مندان غربی را در این سرزمین اسلامی مستحکم کنند و علاقمندی به ادبیات و روش زندگی غربی را ترویج دهند. هدف‌شان تربیهٔ شخصیت‌های سکولری است که به ایدیولوژی سرمایه‌داری و قوانین بشری رجوع کنند.

در نظام کنونی مدارس، اسلام به شکل نظری تدریس می‌شود، طوری که هیچ ارتباطی با واقعیت زندگی برقرار نمی‌کند. نصاب تعلیمی مدارس به یک تعداد احکام معین عبادی و اخلاقی گذشته، به‌طور مثال میراث، نکاح و طلاق خلاصه می‌شود. سایر احکامی که به معاملات، داد و ستد اقتصادی، و امورات و مسایل خارجی که به حاکمیت ارتباط دارد نادیده گرفته می‌شود.

بودجه دولت کفایت فراهم‌آوری منابع، سهولت‌ها و اساتید ورزیده و متخصص را برای تولید، تحقیق، تکنالوژی و پیشرفت نمی‌کند.

پیشرفت نظام آموزشی مطابق عقیده اسلامی

الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ (تحریم: ۶)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است نگهدارید.

دولت اسلامی مسئولیت آموزش و پرورش پسران و دختران امت را بر عهده خواهد گرفت. هدف اصلی‌اش ایجاد راهکار آموزشی است که شخصیت‌های اسلامی را با عقلیه و نفسیه قوی رشد دهد. بنابراین نصاب تعلیمی را به نحوی توسعه می‌دهد که مهارت‌های فکری، تفکر تحلیلی و علاقه به آموختن علم به‌منظور کسب ثواب و رضایت الله سبحانه و تعالی و نیز همکاری‌های معنادار با جامعه را در شاگردان/دانش‌آموزان می‌پروراند. حزب‌التحریر در مقدمه قانون اساسی خود در ماده ۱۷۰ چنین استنباط کرده است: «عقیده اسلامی اساس نصاب تعلیمی اسلام را تشکیل می‌دهد، بناءً معیار پذیرش معلومات را از زاویه تصدیق و باور به آن قرار داده است، نه از این زاویه که آن‌ها اطلاعات محض است.»

علوم تجربی در هر سطح تعلیمی با هدف ایجاد تحقیق، توسعه و فن‌آوری جدید مورد اولویت قرار می‌گیرد تا خلافت در عرصه نوآوری‌های صنعتی، صحتی/بهداشتی، مهندسی و سایر نیازهای عملی بشر پیش‌تاز جهان باشد. علم و فناوری با نیازهای عملی و محرک‌اش مانند صنعت، زراعت و مراقبت‌های صحتی/بهداشتی ارتباط داده خواهد شد. این همان چیزی‌ست که استفاده دکتران/پزشکان، دانشمندان و انجیران/مهندسان موجود در میان امت را به بهترین وجه ممکن تضمین می‌کند. ازین‌رو، ازدواج پسران و دختران توانای امت با هدف علیای ایجاد انقلاب در عرصه خلاقیت و تولیدات انجام می‌شود، و خلافت را به سمت یک قدرت پیش‌تاز سوق می‌دهد. علوم فرهنگی نیز در سطوح ابتدایی و متوسطه بر طبق راهکارهای خاصی تدریس می‌شود که مفاهیم و قوانین اسلامی را نقض نمی‌کند. این علوم فرهنگی در عرصه تحصیلات عالی مانند سایر علوم مورد مطالعه قرار می‌گیرد، با این شرط که باعث انحراف از راهکار تعلیمی و هدف‌اش نشود. حزب‌التحریر در مقدمه قانون اساسی خود در ماده ۱۷۴ در مورد علوم فرهنگی چنین استنباط کرده است: «از آن جایی که آموختن آن چه موجب انحراف، گمراهی و ضعف در عقیده می‌شود به آسانی بر کودکان تأثیر می‌گذارد، بناءً تدریس این نوع دانش حتی در کم‌ترین مقدار برای سطوح آموزشی ابتدایی و متوسطه جایز نمی‌باشد.»

زمان برابری به زبان عربی و علوم اسلامی اختصاص داده خواهد شد تا اطفال مان در فراگیری اصول دین و پیاده‌سازی اسلام به پخته‌گی برسند. فرهنگ اسلامی در تمامی مقاطع تعلیمی تدریس خواهد شد. با استعدادترین پسران و دختران مان به فقیه شدن تشویق خواهند شد تا فهم اسلام در زندگی عملی در دستان بهترین اشخاص قرار گیرد. حزب‌التحریر در مقدمه قانون اساسی خود

در ماده ۱۷۳ استنباط کرده است این که: «هدف از تدریس تمام این علوم در دوره مکتب این است که شخصیت اسلامی شاگرد/دانش آموز ساخته شود، برای ورود به عرصه عملی زندگی آماده شوند، با ادامه تحصیلات عالی به شخصیت‌های متمایزی تبدیل شوند که لازمه ارتقای سطح علمی امت است، و برای هدایت جهان و بیرون بردن تمام مردم از ظلمت کفر به نور اسلام و از ظلم و ستم قوانین بشر به عدالت شریعت الهی آماده شوند.» در ماده ۱۷۵ حزب التحریر آمده است: «دلیل این ماده از عمل رسول الله صلی الله علیه و سلم است، زیرا ایشان احکام اسلام را به مردان و زنان و پیران و جوانان آموزش می‌دادند امری که به تدریس اسلام به تمام نسل‌ها و یادگیری موضوعات‌اش در تمام سطوح تعلیمی دلالت دارد.»

دولت خلافت سهولت‌هایی را برای مکاتب و برنامه‌های آموزشی را برای معلمان فراهم می‌آورد تا دانش نوین را رشد دهند و روش‌های تدریس عقلی و منطقی را برای سهولت در یادگیری حاصل کنند. آموزش و تعلیم از سطح ابتدایی تا عالی ارائه، و به تحقیق و پژوهش اولویت داده خواهد شد.

خلافت به منظور تأمین بودجه آموزشی مجدداً به نسل درآمدزای خود ساختار خواهد داد تا روند رشد آموزشی را طبق احکام شریعت تسریع کنند. به علاوه، درآمد بالایی را از مالکیت‌های عمومی مانند انرژی و شرکت‌های دولتی مانند شرکت‌های ساختمانی بزرگ و تولیدکننده‌گان ماشین‌آلات به دست خواهد آورد. هم‌چنین به مالیات سرسام‌آور بر عاید و فروش که موجب افول فعالیت‌های اقتصادی شده است پایان خواهد داد. خلافت از بازپرداخت قرضه‌ها/وام‌های سودی به استعمارگران و دیگران که یک سوم هزینه‌های پاکستان را به عنوان خدمات بدهی می‌بلعند خودداری می‌کند، و اگر این قیودات برای انجام تعهدات‌اش کافی نباشد، فقط از کسانی که می‌توانند نیازهای اولیه و برخی از تجملات خود را تأمین کنند، مالیات موقتی را بر ثروت‌شان وضع خواهد کرد. خلافت باری دیگر امت را همانند قرن‌ها قبل به عنوان چراغی برای علم و دانش برخواهد انگیخت. حزب التحریر در مقدمه قانون اساسی خود در ماده ۱۷۹ چنین استنباط کرده است: «هرچه برای انجام یک ماموریت و وظیفه لازم باشد خود آن نیز یک ماموریت و وظیفه است.» کتاب‌خانه‌ها و آزمایش‌گاه‌ها و سایر ابزار رشد علم جزء امور امت است که امام باید آن را کنترل کند و زیرا از کوتاهی در برابر آن مورد بازخواست قرار خواهد گرفت.»

حزب التحریر - ولایه پاکستان

۱۵ شوال ۱۴۴۳ ه.ق.

یک‌شنبه، ۱۵ می/مه ۲۰۲۲ م

مترجم: راشد مسلم